

شریعت محوری و نقد تخلّف از شریعت در مکتوبات

نویسنده: پوهندوی فضل الرحمن فقیهی

چکیده

مکتوبات امام ربانی یکی از آثار ارزشمند حوزه عرفان و تصوف اسلامی است. امام ربانی در مکتوباتش بر پابندی به شریعت همواره تأکید کرده است؛ چه خود شخصی شریعت مدار بوده است. او آراسته گی ظاهر و باطن به شریعت الهی را مایه نجات و سرمایه حصول درجات کمال و معنویتها میداند.

تمسک به سنت نبوی و پرهیز از بدعت در نگاه امام ربانی شرط مهم سلوک و طی مراحل طریقت است؛ حتی او شریعت را در این راه و روش، اصل کار و بر طریقت و سلوک مقدم میداند. در نظر امام ربانی فقها و مجتهدان، مقام بالاتر از مشایخ طریقت دارند و در هنگام اختلاف نظر میان آنان، باید به محصولات اجتهاد فقها عمل کرد؛ نه به آرای صوفیه و افکار کشفی و شهودی شان.

امام ربانی احوال و مواجید صوفیه را در صورتی که با شریعت الهی تصادم کند، مردود میداند؛ از این رو، با اباحیه و اباحیه گری میستیزد. همچنان وی بر پرهیز از صحبت و همراهی با شیخان ناقص و متخلف از شریعت اصرار میورزد و آن را از وسایل عقبمانی و باعث دوری از بسا معنویتها بر میشمارد.

کلید واژه ها: امام ربانی، مکتوبات، شریعت، طریقت، صوفیه، متشرعان.

مقدمه

تصوّف و صوفیگری از قرنهای نخستین دوره اسلامی در عالم اسلام رواج گسترده یافت و این شیوه و روش که در جوامع قبل از اسلام به گونه انزوا و رهبانیت وجود داشت، رنگ و لباس اسلامی به خود گرفت. یکی از چالشهای عمده در این حوزه، تصادم افکار و اعمال برخی صوفیان با شریعت بود که صوفیه آنها را نتایج کشف و شهود و از احوال خود برشمرده اند؛ حال آنکه اهل شریعت آنها را بدعت و مردود میدانند.

مکتوبات امام ربانی، نوشته عارف بزرگ و اندیشمند گرانمایه جهان اسلام، احمد فاروقی سرهندی معروف به امام ربّانی، مجدد الف ثانی (۹۷۱-۱۰۳۴ هـ.ق) از آثاری است که در حوزه تصوف و عرفان حایز اهمیت است. وی در این اثر بهترین تیوریه را در باب تصوف و عرفان اسلامی برای مریدان خویش به پاسخ سوالات شان ارایه داشته است. عرفان و تصوف امام ربانی به شریعت اسلامی اتکا دارد و این از برازنده ترین ویژه گیهای عرفان اوست. این ویژه گی در مکتوبات به پیمانه متبازری تجلی یافته است. در مکتوبات به بحث در مورد تصادمهای میان صوفیه و فقها بسیار پرداخته شده، عملکرد و آرای این دو گروه نقد گردیده است.

از جمله تألیفات امام ربانی کتابهای «التهللیه»، «اثبات الواجب، اثبات النبوه»، «المبدء والمعاد»، «المکاشفات الغیبیه»، «آداب المریدین»، «المعارف اللدنیه»، تعلیقاتی بر «عوارف المعارف» سهروردی و شرحی بر «رباعیات خواجه عبدالباقی» را میتوان نام برد.

این مقاله از طرفی معیار پابندی امام ربانی به شریعت را در مکتوبات به بحث و بررسی

گرفته است و شریعت محوری او را بررسی مینماید؛ از جانی به حل برخی تصادمها میان آرای فقها و صوفیه نیز میپردازد.

۱. تمسک به شریعت و عینیت حقیقت و شریعت

امام ربانی در مکتوباتش بر استقامت ظاهر و باطن به شریعت الهی و نیز بر یگانه گی میان حقیقت و شریعت تأکید ورزیده، عقیده به جدایی و تباین بین آن دو را زندقه و الحاد معرفی کرده است. وی در مقام خطاب به پیروانش میگوید: «ظاهر را به ظاهر شریعت و باطن را به باطن شریعت که عبارت از حقیقت است متحلی و متزین دارند؛ چه حقیقت و طریقت عبارت از حقیقت شریعت است و طریقت آن حقیقت؛ نه آنکه شریعت امری دیگر است و طریقت و حقیقت دیگر، که این الحاد و زندقه است». (امام ربانی: ج ۲، ۳۰).

پیروی و التزام شریعت از رسم و رواجهای ظاهری ارزشمندتر و برتر است و مایه نجات شمرده میشود؛ چنان که همه اهل عرفان و تصوف اسلامی بر آن تأکید داشته اند. شیخ الاسلام انصاری در همین باب است که میفرماید: «طاعت داری به از حرمت داری». (انصاری، ۱۳۵۸: ۸۲)

۲. توصیه بر پابندی به سنت

دوام ترویج سنت رسول الله و تمسک به آن از وظایف تجدید دین است. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ عَلَى رَأْسِ كُلِّ مِائَةِ سَنَةٍ مَنْ يُجَدِّدُ لَهَا دِينَهَا؛ خداوند برای این امت در سر هر صد سال کسی را میفرستد که دین آن را برایش تجدید کند». (سجستانی، بی تا: ج ۴، ۱۰۹).

دین اسلام باید تا زمان موجودیت دنیا و کاینات باقی و پاینده باشد؛ زیرا واپسین شریعت الهی است؛ اما مبارزه با بدعتها و ترویج سنتهای پیامبر و اوامر الهی، یگانه رمز بقای آن تا قیام قیامت است. چنان که این امر از وظایف دعوتگران راه آن است و اهل عرفان و بزرگان صوفیه بر آن تأکید داشته اند. امام ربانی بر این امر تأکید فراوان داشته است و در این زمینه در مکتوبات میفرماید: «شاهبازی باید که نصرت سنت فرماید و هزیمت بدعت نماید. ترویج

بدعت موجب تخریب دین است و تعظیم مبتدع باعث هدم اسلام ...». (امام ربانی، بی تا: ج ۶، ۵۶).

دیده میشود که امام ربانی نصرت سنت رسول الله و مبارزه با بدعتها را کار شاهبازان دانسته، همان گونه که ترویج بدعت و تعظیم افراد مبتدع را تخریب دین و وسیله انهدام اسلام قلمداد کرده است. پایبندی به کتاب و سنت اصلی از اصول دین است. در تفسیر کشف الاسرار میبذی شاگرد پیر هرات آمده است: «اگر از کتاب و سنت بی نیاز بودی، الله به اعمال جاهلیت راضی بودی و اگر بی کتاب و سنت راه دیدار میسر بودی، پیش از کتاب و سنت کافران ابرار بودی ...». (میبذی، ۱۳۷۱: ج ۵، ۳۹۵).

۳. تقدّم شریعت بر طریقت و سلوک

امام ربانی شریعت و احکام فقه اسلامی را بر طریقت و سلوک و طی طریق مقدم میداند. او موافق رأی علمای دین و فقهای شرع متین، نخست، تصحیح عقاید و دوم، دانستن فقه اسلامی و عمل به آن را بر طریقت و سلوک مقدم میداند. وی در یکی از مکاتیب مکتوبات خویش میفرماید: «بعد از تصحیح عقاید از تعلیم فقه چاره نبود و از دانستن فرض و واجب و حلال و حرام و سنت و مندوب و مشتبّه و مکروه گذر نه ...». (امام ربانی: ج ۴، ۱۳۲).

باز در جای دیگر بر پیروی از علمای دین تأکید کرده میگوید: «نقد سعادت دارین منوط به متابعت سید کونین است بر نهجی که علمای اهل سنت بیان فرموده اند. اولاً، تصحیح عقاید به مقتضای آرای صائبه این بزرگواران باید کرد، ثانیاً، علم حلال و حرام و فرض واجب و سنت و مندوب و مباح و مشتبّه حاصل باید نمود و عمل به مقتضای این علم نیز در کار است، بعد از حصول این دو جناح اعتقادی و عملی، اگر سعادت ازلی مدد فرماید، طیران عالم قدس میسر آید ...». (امام ربانی: ج ۲، ۶۲).

اهتمام امام ربانی رحمه الله در زمینه پایبندی به شریعت در تصوّف به حدی است که از طرفی شریعت را اصل مایه نجات میداند و تصوّف و طریقت را برخلاف نظر دیگران امر نافله و زاید بر آن میشمارد؛ به نحوی که تحاشی از آن وبالی را در پی ندارد. از طرف دیگر، اهل

تصوّف را مأمور میداند تا در هنگام وجود اختلاف بین نظریات مشایخ و مجتهدان، به نظر مجتهدان عمل نمایند و عمل مشایخ را متروک قرار دهند. او در مکتوبی از مکتوبات میگوید: «فردای قیامت از شریعت خواهند پرسید، از تصوّف نخواهد پرسید، دخول جَنّت و نجات از نار، وابسته به اتیان شریعت است». (امام ربانی: ج ۲، ۲۱)

۴. تقدّم فقها بر مشایخ صوفیه

شماری از اهل تصوف چنان به رأی بزرگان خویش ارزش قایل میشوند، که گاهی نظرات شان را بر اصول و ثوابت دین مقدم می‌شمارند و آرا و اعمال صوفیه و مشایخ را بر نظرات فقهی اهل اجتهاد ترجیح می‌دهند. امام ربانی موضعگیری دیگری را برگزیده است. او نظر و عمل پیران طریقت را دلیل اثبات حکمی نمیداند؛ بلکه فقط رأی اهل اجتهاد را بعد از دلایل سه گانه (قرآن، سنت، اجماع) دلیل اثبات احکام دانسته است. از همین رو هنگامی که عمل مشایخ مخالف رأی فقها باشد، رأی فقها را ترجیح داده است.

وی در این زمینه در یکی از مکاتیبش در مکتوبات میگوید: «در هر مسأله از مسایل که علما و صوفیه در آن اختلاف کردند، چون نیک ملاحظه مینماید حق به جانب علما مییابد...». (امام ربانی: ج ۴، ۱۲۳). و در جای دیگر بعد از ترجیح رأی فقها بر عمل صوفیه، در باب عدم جواز موسیقی صوفیانه میگوید: هیچ فقیهی، در هیچ وقتی و زمانی فتوا به اباحت سرود نداده است و رقص و پایکوبی را مجاز نداشته است... صوفیان خام این وقت عمل پیران خود را بهانه ساخته، سرود و رقص را دین و ملت خود گرفته اند و طاعت و عبادت ساخته، اولئک الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً. وی در ادامه میافزاید: «اینجا قول ابوحنیفه، امام ابویوسف و امام محمد معتبر است؛ نه عمل ابی بکر شبلی و ابی حسن نوری...». (امام ربانی: ج ۴، ۱۳۶).

او بر این نظر است که همه مشایخ صوفیه با استقامت، همچنین اندیشه و عملی داشته اند و همیشه از فقها و مجتهدان پیروی میکردند؛ نه از عمل صوفیه. وی از خواجه نقشبند رَحِمَهُ اللهُ چنین نقل نموده است: «شنیدم که علمای بخارا را جمع کرده، به خانقاه امیر کلال برده بودند

تا ایشان را از ذکر جهر منع فرمایند، علما به حضرت امیر گفتند که ذکر جهر بدعت است نکنند، ایشان در جواب فرمودند که نکنیم...». (امام ربانی: ج ۴، ۱۳۵).

۵. ترجیح محصول اجتهاد فقها، بر کشف و شهود

فقهای مذاهب اسلامی بر این اتفاق دارند که عقیده و عبادت برخلاف اساسات شرع که کتاب و سنت است مورد قبول واقع نمیگردد و از بدعتها به حساب میآید؛ چه رسد که با انجام چنین اعمالی تقرّب حاصل گردد و مقاماتی به دست آید. بنابراین، هر کشف و شهودی که با اصول و دلایل شرع موافق باشد قابل پذیرش است و در غیر آن مردود و بی اعتبار است. امام ربانی رحمه الله برخلاف برخی صوفیه با فقها همنظر است و نظریات کشفی برخی مشایخ صوفیه را که با مبانی دینی برابر نیست مردود می‌شمارد. او در مکتوباتش در باره نظریات شیخ ابن عربی که با نظریات فقها و اصول شریعت در تضاد است، میگوید: «اکثر معارف کشفیه او که از علوم اهل سنت جدا افتاده است از صواب دور است؛ پس متابعت نکند آن را مگر کسی که دلش مریض باشد یا مقلد صرف». (امام ربانی: ج ۴، ۱۳۱).

پایبندی امام ربانی به اصول و مبانی شریعت به حدی است که در این مقام سخت از نظریات خلاف شریعت برخی مشایخ صوفیه دوری میجوید. در این زمینه در مکتوبات میگوید: «کلام محمد عربی در کار است؛ نه کلام محی الدین عربی و صدرالدین قونوی و عبدالرزاق کاشانی. ما را با نصّ {کتاب و سنت} کار است؛ نه با فصّ {فصوص الحکم ابن عربی}. فتوحات مدنیّه {احادیث نبوی} از فتوحات مکیّه {تألیف ابن عربی} مستغنی ساخته است...». (امام ربانی: ج ۲، ۱۰۰).

۶. ردّ احوال خلاف شرع

امام ربانی رحمه الله حالات و مواجیدی را که با موجودیت امور خلاف شرع در صاحب آن به وجود آید بی اعتبار میدانند. چنان مینماید که وی یقیناً ادعای وجد و حال را از ابنای زمان خود دیده، مطالعه نموده است و به درستی دانسته که جز ادعای عاری از حقیقت نمیباشد. وی به پیروانش بیان میدارد که حالات شیطانی بر اهل معصیت نیز دست میدهد؛ بنابراین،

علامت صدق حال و وجد، استقامت بر شریعت است. بدین مناسبت در مکتوبات میگوید:

«احوال و مواجید که بر اسباب نامشروع مترتب شوند نزد فقیر از قبیل استدراجات است؛ چه اهل استدراج را نیز احوال و اذواق دست میدهد و کشف و توحید و مکاشفه و معاینه در مرایای صُورِ عالم به ظهور میآید. حکمای یونان و جوگیه و براهمه‌هند در این معنا شریک اند، علامت صدق احوال موافقت علوم شرعیه است با اجتناب از امور محرّمه و مشتبّه». (امام ربانی: ج ۴، ۱۳۵).

تأیید احوال و مواجید بعد از موافقت با اصول شریعت امری است که سایر بزرگان نیز بر آن تأکید کرده اند. ابوسلیمان دارانی رحمه الله میگوید: «بسا اوقات که حقیقت چهل روز بر آستانه قلب حضور مییافت و به آن اجازه ورود نمیدادم؛ مگر که دو شاهد از قرآن و سنت ارائه میکرد». (بدوی، ۱۳۷۵: ۷۸).

۷. ردّ اباحیه و اباحیه گری

اباحیه گروهی اند که خویشتن را ملزم به قبول اوامر و نواهی شریعت نمیدانند. آنان به کلی خود را از هر چیز آزاد میانگارند. این اندیشه و طرز فکر را امام ربانی مخالف شریعت الهی میدانند و رد مینماید. در یکی از مکتوبات وی آمده است: «کسی گمان نکند که عارفان را به عمل احتیاج نیست، عیاذاً بالله سبحانه این خود عین الحاد و زندقه است، بلکه عارفان در اتیان اعمال بسان طالبان برابر اند و از اتیان اعمال هیچ کس را استغنا نیست». (امام ربانی: ج ۴، ۱۶۵).

رد اباحیه مورد اتفاق همه اهل عرفان با استقامت است. نقل است که «کسی به نزدیک جنید آمد و گفت: از اهل معرفت گروهی اند که به ترک اعمال بگویند. جنید گفت: این به نزدیک من بزرگ است و آن کس که دزدی کند و زنا کند حال او نزدیک من نیکوتر از حال آن کس که این گوید... و اگر من به هزار سال بزم از اعمال یک ذره کم نکنم». (ژنده پیل، بی تا: ۵۴۶).

۸. هشدار از همراهی با شیخان متخلف

امام ربانی ضمن ضرورت ارشاد و اقتدا به شیخ طریقت کامل در این امر بسیار احتیاط مینماید. او اقتدا به مرشدان ناکامل و متخلف از شریعت را مرض مهلک میدانند، که استعداد مرید را ضایع میگردانند و باعث هلاکت وی میگردد. وی در مکتوباتش میفرماید: «اکثر گروههای هفتاد و دو ملت که به ضلالت رفته اند و راه راست را گم کرده، منشأ آن دخول در طریق صوفیه است که کار به انجام نارسیده غلطها کرده اند و به ضلالت رفته». (امام ربانی: ج ۳: ۱۳۲)؛ از همین جهت، وی روش تعلیم و آموزش را در امر ارشاد بسی مهم تلقی کرده است. او آموزش و تعلیم را راه به دست آمدن و تحصیل مقام ارشاد دانسته، خرقة پوشاندن را برای این امر مردود میدانند؛ چنان که میگوید: «پیر تعلیم هم استاد شریعت است و هم رهنمای طریقت، به خلاف پیر خرقة» و نیز میفرماید: «در طریق ما پیری و مریدی به تعلیم و تعلّم است نه به کلاه و شجره که در اکثر طُرُق مشایخ رسم شده است حتی که متأخران شان پیری و مریدی را مختصر بر کلاه و شجره ساخته اند . . .». (امام ربانی: ج ۴: ۸).

بدون شک مرشد باید به اوصاف موافق شریعت الهی آراسته باشد و همه صوفیه و اهل عرفان به این امر اتفاق دارند. شیخ احمد جام در «انس الثائین» در باره صفات مرشد کامل و پیر با استقامت میگوید: «پیر را سیرت پیامبران باید داشت . . . تا شاید که بدو اقتدا کنی. پیر چنان باید که راهدان باشد و راه رفته، تا راه نداند راه نتواند نمود». (ژنده پیل، بی تا: ۷۷).

نتیجه گیری

از آنچه در این مقاله به بحث گرفته شد نتیجه به دست میآید، که امام ربانی از بزرگان طریقه نقشبندیه است و از مهمترین شخصیتهای عرفان اسلامی است. مکتوبات امام ربانی یکی از ارزنده ترین آثار در حوزه عرفان و تصوف اسلامی میباشد. امام ربانی در اندیشه های عرفانی طرح شده در مکتوبات، سخت پایبند به شریعت الهی

است و بر این امر تأکید داشته است. وی آراسته گی ظاهر و باطن به شریعت را از لوازم سلوک میدانند و بر پابندی و تمسک به سنت نبوی تأکید میورزد. امام ربانی شریعت را بر طریقت و سلوک مقدم می‌شمارد و اصل و بنیاد قلمداد میکند؛ از همین رو است که نظرات اهل شریعت و فقها را بر عمل و کردار مشایخ طریقت و صوفیه ترجیح می‌دهد. وی محصول روایات دینی را بر کشف و شهود برتری داده است و مدلولهای کشف و شهود را وقتی معتبر میدانند که با روایات دینی هماهنگ و موافق باشند.

اینها همه می‌رسانند که امام ربانی عارفی متشرع است و نیز از محتوای مکتوبات دانسته میشود، که پابندی به اصول و مبانی شریعت شرط اصلی، درست و قبول اندیشه های عرفانی است.

سرچشمه ها

۱. قرآن کریم.
۲. امام ربانی، احمد بن عبد الاحد. (بی.تا). **مکتوبات**. پاکستان، امرتسر: طبع مجددی.
۳. انصاری، خواجه عبدالله. (۱۳۵۸ه.ش). **صد میدان**. تهران: چاپ اول، انتشارات طهوری.
۴. بدوی، عبد الرحمن. (۱۳۷۵ ه.ش). **تاریخ تصوف اسلامی**. ترجمه افتخار زاده، محمود. ایران: چاپ اول، نشر معارف اسلامی.
۵. جامی، نورالدین عبدالرحمن. (۱۳۶۵). **نفحات الانس من حضرات القدس** با مقدمه توحیدی پور، مهدی. تهران: چاپ اول، انتشارات امیر کبیر.
۶. ژنده پیل، جامی، احمد. (بی.تا). **انس التأیین**. تهران: نشر احسان.

۷. سَجِسْتانی، أبوداود سلیمان بن الأشعث. (بی. تا). **سنن أبی داوود**.

تحقیق محمد محیی الدین عبد الحمید. صیدا، بیروت: ج ۴. المكتبة العصریه.

۸. قشیری، عبدالکریم بن هوازن. (۱۳۸۱). **رسالة قشیریہ**. ترجمه عثمانی، ابوعلی حسن

بن احمد. تهران: چاپ هفتم، انتشارات علمی و فرهنگی.

۹. میبذی، ابو الفضل، رشید الدین. (۱۳۷۱). **کشف الاسرار و عدة الابرار**. تهران: امیر

کبیر.